تعالی فرهنگ

عقله العرسان، علی

اشاره:

دکتر علی عقلة عرسان،در شمار فرهنگمندان‏ نامدار عرب است.وی در زمینه‏های‏ نمایشنامه نویسی،داستان نویسی و شعر آثاری‏ از خود بر جا گذاشته است که در مجموعهء ادبیات عرب،نام او را نیز در برابر چشم‏ علاقه‏مندان ادبیات قرار می‏دهد.از ادبیات‏ ایران اطلاعاتی دارد و به آثار برخی شاعران‏ فارسی زبان عشق می‏ورزد.وی همچنین‏ فعالیتهایی در حوزه‏های سیاسی کرده است‏ که در صحبتهای خود بدان اشاره نموده.

به منظور آشنایی خوانندگان گرامی با آثار و نظراتش،با او گفت و گویی کرده‏ایم که در پی‏ می‏خوانید.

کیهان فرهنگی‏ :به عنوان نخستین‏ پرسش ابتدا از گذشته و زمینهء آثارتان‏ صحبت کنید.

دکتر علی عقلة العرسان:من متولد سال 1940 در صیدای جنوبی(سوریه)هستم و در رشتهء ادبیات و علوم انسانی درجهء دکترا دارم.از جمله آثارم در زمینهء نثر ده متن نمایشنامه،چهار کتاب درباره بررسی‏ نمایشنامه،پنج کتاب بررسی و تحقیق در فرهنگ‏ عربی و مسائل سیاسی،سه مجموعهء شعر،یک داستان‏ به نام«صخرهء جولان»،و نیز یک کتاب«سفرنامه» است.از سال 1977 تاکنون رئیس کل اتحادیه‏

\*آنچه همواره به آن پرداخته‏ام‏ بیان ابعاد غربت انسان در جامعه و وطن بوده است.

\*ما تبعیت از الگوهای فرهنگی‏ غرب را مد نظر قرار داده‏ایم و این‏ الگوها همچون مانعی،امکان‏ داشتن ارتباط و پیوندی سالم،و نیز آشنایی با آثار ادبی کشورهای‏ اسلامی را از ما گرفته‏اند.

\*ادبیات عرب به طور کلی‏ حرکتی رو به جلو به منظور تبادل آرا دارد؛تبادلی فرهنگی که سبب‏ آشنایی با جریانات فرهنگی و ادبی‏ در میان نویسندگان باشد.

نویسندگان عرب در سوریه هستم و همچنین دبیر کل‏ اتحادیه ادیبان و نویسندگان عرب و معاون دبیر کل‏ اتحادیه نویسندگان آسیا و آفریقا بوده‏ام.

کیهان فرهنگی‏ :شما نمایشنامه نویس‏ هستید یا شاعر؟یا اینکه باید با عنوان‏ دیگری از شما نام برد؟

عرسان:اگر کارهای پنج سال اخیرم را در نظر بگیریم،باید گفت در عرصهء تفکر سیاسی و فرهنگی‏ هم به میزان نمایشنامه نویسی کوشیده‏ام،اما تمایل‏ فعالیت در عرصه ادبیات و نمایشنامه از طریق گفت و گو و بحث و بررسی هنوز در من وجود دارد.من همواره‏ خود را در عرصه‏های متفاوت یافته‏ام.

کیهان فرهنگی‏ :نمایشنامه شعری‏ شما به چه می‏پردازد؟

عرسان:نمایشنامه«الفلسطینیات»(زنان فلسطین) نام دارد و درباره فلسطین،درگیریهای عربی- صهیونیستی و اثر آن بر زنان فلسطین است.زنانی که‏ همواره یکی از نزدیکان خود مثل برادر،فرزند و یا شوهرشان را در این نبرد از دست می‏دهند.در این‏ نمایشنامه همچنین غمها و نگرانیهای خانواده(با توجه‏ به اینکه زنان تربیت این نسل و مسؤولیت آماده‏سازی‏ آن را برای پذیرش مشکلات فلسطین به عهده دارند) مورد توجه قرار گرفته است.

کیهان فرهنگی‏ :اگر به عنوان منتقد به اشعارتان نگاه کنید،در میان شعرای‏ معاصر خودتان را در چه جایگاهی قرار می‏دهید؟

عرسان:انجام چنین کاری برای من مشکل است، اما می‏توانم بگویم که در عرصه‏ای وارد شده‏ام که‏ بسیاری نتوانسته‏اند به آن وارد شوند.چرا که من به‏ مسائلی توجه نشان می‏دهم که مشکلات ملی و درگیری عربی-صهیونیستی را در بر می‏گیرند.کمتر کسانی امکان ورود به این عرصه را می‏یابند.بیان ابعاد غربت انسان،چه در جامعه،چه در وطن،چیزی است‏ که همواره به آن پرداخته‏ام.به نفسانیاتی که انسان‏ متصل به ارزشها و اخلاق از آن رنج می‏برد.

\*کم توجهی به نحوهء بیان،آثار را پس از نشر،در ردیف تجربه‏هایی‏ ناپخته با بیانی ناقص قرار می‏دهد.

\*برخی برای پنهان کردن ناتوانی‏ و ضعفشان در زبان،قواعد دستوری‏ و طرز بیان،علیه این اصول‏ می‏شورند و می‏گویند که‏ می‏خواهند زبان و قواعد آن را به‏ منظور ساختن یک جریان ادبی‏ بشکنند!

کیهان فرهنگی‏ :شما به واقعیت ادبی‏ کنونی در جهان عربی چگونه‏ می‏نگرید؟

عرسان:متأسفانه اکنون راههایی که بتواند تفکر مناسب و روشنی از ادبیات دنیا و جهان اسلامی به‏ دست دهد،ناهموار است.به نظر می‏رسد که ما به‏ اشکال گوناگون تبعیت از الگوهای فرهنگی غرب را مد نظر قرار داده‏ایم که این الگوها همچون مانعی امکان‏ دیدن یکدیگر و داشتن ارتباط و پیوندی سالم و نیز آشنایی با آثار ادبی کشورهای اسلامی را از ما گرفته‏اند.از این رو من خود را تا این حد در شرایط مناسبی نمی‏بینم که بتوانم حکمی منتقدانه دربارهء ادبیات جهان اسلام بدهم.آنچه گاه و بی‏گاه از آن‏ مطلع می‏شوم اطلاعاتی مختصر و پراکنده است که‏ نظراتی کلی از یک متن یا یک نویسنده به من می‏دهد.

بنابراین مسلم است که چنین اطلاعاتی نمی‏تواند تصویری کامل از آن کشور را فراروی من قرار دهد.با استفاده از برخی ترجمه‏های کنونی،توانسته‏ایم شمارهء ویژه‏ای دربارهء ادبیات در ایران منتشر کنیم و در خلال‏ انجام کارهای آن و فرصت پیش آمده توانستم به ادبیات‏ ایران بیشتر بپردازم و با آن بیشتر از پیش آشنا شوم.

روشن است که ادبیات عرب و ادبیات فارسی ریشه‏ها، زمینه‏ها و ارزشهای مشترک بسیاری دارند.در اینجا تفاوتی میان سبک و سیاق و تجربه‏ها وجود دارد که‏ مسأله‏ای طبیعی است.برای نمونه ادیبی از محیط خود سخن می‏گوید و نه از مشکلات ویژه‏ای که در میان‏ یک قشر جامعه وجود دارد.موقعیت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه نیز بر آثار او تأثیر می‏گذارد.

 در جهان عرب،ارتباط میان کشورهای گوناگون به‏ لحاظ برخورداری از زبان مشترک،آسان‏تر است.

درست است که ما گاهی در فراهم آوردن امکانات این‏ ارتباط و شرایط و فضایی مناسب برای آن،در مطبوعات‏ کشورهای عربی دچار مشکل می‏شویم،اما به طور کلی‏ از راههای دیگری می‏توان به همراهی بهتر دست‏ یافت.

ادبیات در جهان عرب به طور کلی حرکتی رو به جلو به منظور تبادل آرا دارد.چه تبادل از خلال تبادل‏ فرهنگی باشد و چه مسبب آشنایی جریانات‏ فرهنگی و ادبی در جهان عرب و میان نویسندگان و پدید آورندگان انواع ادبی متفاوت.برای نمونه شعر در جهان عرب در موقعیتی قرار دارد که به لحاظ تأثیر و تاثر و بیان روح جامعهء عربی،دارای جایگاهی مهم‏ است.اما این جایگاه و موقعیت امروز از آنچه شعر در دوره‏های گذشته داشته،عقب مانده است.

کیهان فرهنگی‏ :به گمان شما این‏ عقب افتادگی به چه علت روی داده‏ است؟

عرسان:بنابر دلایلی متعدد،که یکی از آنها ضعف‏ بیانی بسیاری از آنهایی است که به شاخه‏های درخت‏ شعر متصل شدند.به این سبب است که در میان‏ شماری از شاعران برجسته ادبیات عرب سستی‏هایی‏ می‏بینیم.این دسته به رغم بسیاری تعدادشان و ارائه‏ کمیت بالا در زمینه شعر کار مهمی انجام نمی‏دهند و تأثیری از خود به جای نمی‏گذارند،بلکه بر عکس‏ حرکت شعر را کند می‏کنند و آن را به عقب می‏رانند.

در برخی از زمینه‏ها،کم توجهی و شتاب در نحوهء بیان‏ و نشر آثار،به علت عدم نضج و شکل‏گیری تجربیات‏ شعری در مقایسه با تعداد زیادی کسانی است که به شعر رو می‏آورند.همین آثار پس از نشر در ردیف آثار شعری‏ شمرده می‏شوند،حال آنکه در واقع جز تجربه‏ای ناپخته‏ و یا بیانی ناقص نیستند.

مطلب دیگر اینکه جریانات یا تمایلاتی وجود دارند که خواسته یا ناخواسته به اسم بیان نمادین فرهنگ‏ عربی را ویران می‏کنند.سخنگویان برخی از این‏ جریانات چنین می‏گویند که می‏خواهند زبان و قواعد آن را بشکنند.اما گفته آنها در واقع بدان علت است که‏ در زبان و قواعد دستوری ضعف دارند،و از این رو زمانی‏ که توانایی لازم را ندارند،و برای آنکه این ناتوانی را پنهان کنند،طبیعی است که بر قواعد و اصول و طرز بیان می‏شورند و حتی اغلب برخی از کسانی را که در اشاعهء بد گویی به تخصص رسیده‏اند می‏یابند و همه‏ اینها دست به دست هم می‏دهند و نتایج بدی به بار می‏آورد.

زمانی که در دههء 50 شعر عربی حرکت‏ تجدد خواهی خود را آغاز کرد و احیانا نزد بعضی از شاعران از حالت شعر عمودی و تمایل به«تفعیلیه» خارج شد،راهروانی را در این زمینه می‏یافتیم که‏ آثارشان با شعر قدیم تفاوت داشت اما آنها به آن شعر احترام می‏گذاشتند.در همان زمان دوران دیگری از راه‏ رسید و گرایشی تازه که تمایل به عدم رعایت وزن و «تفعیلیه»و قواعد زبان داشت،پدید آمد.آثاری که تحت‏ عنوان قصیدهء نثری و نثری که شعری نامیده می‏شوند، در مقاطعی با هم مخلوط شد و امکان به دست دادن‏ هر گونه تعبیری از زبان و یا نوع ادبی کاری بیهوده‏ گردید.در این مسأله،نمی‏توان فقط به علت ادبی‏ اشاره کرد،بلکه عوامل دیگری نیز در آن دخالت داشت که پس از صحبت دربارهء انواع ادبی دیگر،به آن نیز خواهم پرداخت.

اما داستان در جهان عرب از انواع به نسبت‏ پیشرفته‏تر است و پیشرفت آن به دو یا سه دههء اخیر- و نه بیشتر-باز می‏گردد.داستان نویسی و داستانهای‏ جهان عرب بدون تردید گامهای بلندی برداشته است و حتی در مقایسه با تاریخ شعر نزد عربها برخی از داستانها نیز از گامهای پر اهمیت به شمار می‏آیند.

چنین گفته می‏شود که اکنون داستان در شمار دیوان‏ عرب است اما به عقیدهء من چنین بزرگ نماییهایی‏ درست نیست.داستان فقط یک قرن با ما بوده است، حال آنکه شعر،دیوان و تاریخ حقیقی ماست.

\*داستان در جهان عرب‏ کما بیش پیشرفته‏تر است و پیشرفت آن،به دو یا سه دههء اخیر باز می‏گردد اما نمایشنامه نویسی‏ حرکتی رو به عقب داشته است.

\*آماده‏ایم تا با یهودیها در کشوری که تحت لوای عربی و اسلامی باشد همزیستی کنیم اما با اینکه وطنمان را به صهیونیزم‏ نژادپرست و متعصب واگذار کنیم‏ موافق نیستیم و سازش را نتیجهء اخلال در اصول ملی،قومی، تاریخی،دینی و اخلاقی می‏دانیم.

\*آثار امام خمینی(ره)،حافظ، سعدی،رومی و عطار نیشابوری را خوانده‏ام.

اما قصه در جهان عرب،اکنون در مقایسه با آنچه در سالهای دههء پنجاه و شصت دیده می‏شد،افول کرده‏ است.

نمایشنامه‏نویسی نیز طی دو دههء اخیر نسبت به دههء شصت و هفتاد رو به عقب نهاده است که از علل و دلایل بسیار ناشی می‏شود.ولی بررسیهای سیاسی‏ مربوط به ابعاد تفکر دینی با بحثهای اجتماعی در این‏ زمینه اکنون جایگاه ممتازی به لحاظ استقبال و اقبال‏ عمومی دارد.

به ادبیات باز می‏گردم و می‏گویم که در اینجا عوامل‏ در عرصهء ادبیات عرب ظاهر شدند که به نظم ادبی‏ ضربه زدند؛چه به لحاظ اشخاصی که در این زمینه‏ فعالیت دارند و چه به لحاظ متون.این عوامل در درجه‏ اول به ورود ناگهانی و هجوم ایدئولوژی‏ها و تمایلات‏ حزبی و سیاسی و سازمانی و ورود آنها به عرصهء ادبیات مربوط می‏شود.کم کم نیروهای حزبی‏ (میلیشیا)متون و کتابهایی را ارج نهاد و یا به آنها حمله‏ کرد که این احکام نه بر اساس نقد موضوعی و در زمینهء ارزشهای نوع ادبی و مقولات آن،بلکه بر اساس‏

فرضهایی از پیش تعیین شده صادر می‏شد که از تمایلات و مواضع سیاسی نشأت می‏گرفت.این مسأله، در خلاقیت هنری ضعفی کلی ایجاد کرده است،چنان‏ که نشانه‏های اضطرابی را بر این تابلو یا آن تصویر خلاقه به جای گذاشته است.در حالی که اسمهایی‏ وجود دارد که به خودی خود بزرگ به شمار می‏روند، اما ضروری نیست که اسامی برجسته،واقعا اهمیت‏ داشته باشند.این مقدمه کار است،و تجربهء موضوعی‏ در متون چیز دیگری است.

از این رو ضروری است که این شیوهء نقد-که گرفتار عقبگرد شدید در جهان عرب است-به گونه‏ای‏ شایسته به تنظیم و نظم دادن عرصه‏های خود بپردازد تا برای ثبت فعالیتهای ابداعی و خلاقانه توانایی و آمادگی لازم را داشته باشد.

کیهان فرهنگی‏ :برخی اعتقاد دارند که تراکم فرهنگی و فکری نزد غربیها، همان چیزی است که به پیشرفت،و لو نسبی منتهی شده است.آیا بر این‏ اساس تراکم فرهنگی عربی یا اسلامی‏ نمی‏تواند کلیدی برای حل این مسأله‏ باشد؟

عرسان:شک نیست که می‏توان از میان یک کمیت، انواع مشخصی را برگزید که به سطح بیان فرهنگی‏ خلاق نزدیک باشند.ما از این تراکم نزد غربیها که شما در سؤالتان به آن اشاره کردید،محروم نیستیم.آنچه در زمینهء آثار برجسته داریم،تا حدود زیادی به قرون‏ گذشته و آغاز نهضت بیانی غرب باز می‏گردد؛لیکن در برخی زمینه‏ها و در برخی دهه‏ها یا قرون،حرکتهایی‏ فکری داشته‏ایم که هیچ چیز جدیدی عرضه‏ نمی‏کردند،و یا اهتمامی به ارائه چیز تازه از خود نشان‏ نمی‏دادند.نکته دیگر اینکه ما می‏توانیم از طریق غربال‏ کردن،بر اساس موضوعات و نقد و شناخت درست آنها مرزی به وجود آوریم که تراکم کیفی را در کنار تراکم‏ کمی از یکدیگر متمایز کند و از این طریق به گسترش‏ گونه‏ای کمیت از نوع مناسب دست بازیم.

کیهان فرهنگی‏ :می‏خواهیم ارزیابی‏ شما را به شکلی کلی از وضعیت‏ فرهنگی و ادبی در چارچوب بیداری‏ اسلامی-که منطقه اکنون شاهد آن‏ است-و به طور خاص در حال حاضر بشنویم.

عرسان:به گمان من،جریان دعوت اسلامی که از آن‏ سخن می‏گویید هنوز جریان خلاقه‏ای در ادبیات غربی‏ به وجود نیاورده است.قطعه‏ها و متنهایی در این زمینه‏ وجود دارد،اما داخل شدن این جریان به وجدان خلاقه‏ و انتقال این بیداری از خلال بیان انواع گوناگون ادبی‏ می‏تواند جریانی مؤثر در مردم پدید آورد و در نتیجه‏ دارای حضوری در عرصهء خلاقیت و جامعه گردد.اما به‏ اعتقاد من نیاز به زمانی طولانی‏تر دارد.اکنون‏ اقداماتی حقیقی برای همراهی حرکت بیداری اسلامی‏ -چنان که باید-دیده نمی‏شود.و اگر مقاومت در جنوب لبنان و مقاومت حماس یا جهاد اسلامی در فلسطین اشغالی را در نظر بگیریم در می‏یابیم که این‏ مسأله برای بیان خود تنها از چارچوب بیداری اسلامی‏ نمی‏گذرد،بلکه از برخورد مثبت میان آنچه ندای آزادی‏ و مقاومت را سر می‏دهد ناشی می‏شود.

کیهان فرهنگی‏ :آیا ضرورت دارد که‏ مقاومت کنندگان خود راوی مقاومت‏ خویش باشند؟

عرسان:مسؤولیت حمل رسالت مقاومت بر گردن‏ همه است و ضرورت ندارد که مقاومت کننده خود نویسندهء خلاق باشد؛کافی است که او به سهم خود تلاش کند و احیانا حتی خون و زندگی‏اش را هدیه‏ کند و با بالاترین اشکال بیانی تمایلانش را اظهار دارد.

آنچه من از سؤال شما دریافتم بیان این مطلب در چارچوب تفکر اسلامی و خلاقیت اسلامی از این‏ مقاومت است.هر شاعری از این مقاومت با روح ملی و قوی خود سخن می‏گوید.اما نه بر اساس ایمان و یا با اصطلاح بیداری مقاومت اسلامی و یا تعمیق آن.ممکن‏ است با بسیاری از این مفاهیم ضدیت داشته باشد،اما از عمل مقاومت حرف بزند.

کیهان فرهنگی‏ :آیا اعتقاد دارید در برابر آنها که به اقدامات سازشکارانه با دشمن،دل خوش کرده‏اند باید موضعگیری کرد؟

عرسان:ما دریچه و باب گفت و گو را باز گذاشته‏ایم، اما گفت و گویی که اساسی مشخص داشته باشد و مخل اصولی که همه به آن اعتقاد دارند،نباشد.از این‏ اصول که تاریخ بر آن تأکید می‏کند و حوادث طول تاریخ‏ بر آن صحه می‏گذارند یکی این است که فلسطین، تاریخ و گرایشی عربی دارد و همین طور مردم فلسطین‏ که در آن یا تحت فشارند و یا از آن اخراج شده‏اند.

بنابراین به سهم خود نمی‏توانیم بپذیریم که این‏ سرزمین به دیگری متعلق بشود.قصد ما رسیدن به‏ حقوق از دست رفتهءمان و دفاع از آن است و می‏خواهیم‏ این موضوع و قصد را به دیگران نیز تفهیم کنیم.مانعی‏ قرار نمی‏دهیم که دیگران نظری مغایر با نظر ما بدهند، اما مانع از این می‏شویم که پرچم این نظر مخالف بر خانه‏های ما برافراشته باشد.این دیدگاه موضع و گرایشی جداگانه دارد.از این رو می‏گوییم که در عرصهء سازش با دشمن،سازشکاری نتیجهء اعتراف،و اعتراف‏ اخلال در اصول ملی،قومی،تاریخی،دینی،اخلاقی و اجتماعی است.ما به سهم خود تأکید می‏کنیم که‏ آمادگی داریم با یهودیها در کشوری که تحت لوای‏ عربی و اسلامی باشد همزیستی کنیم،اما با اینکه‏ وطنمان را به صهیونیزم نژاد پرست و متعصب واگذار کنیم موافق نیستیم.هر ملت دیگری که نخواهد ملتی‏ مستعمره به شمار آید،با چنین دیدگاهی موافق‏ نیست.مخالفتهای ما از اینجا سرچشمه می‏گیرد؛از جایی که حقایق روشن است و این البته مخالفتی‏ مشروع است و نشان دهنده مردود دانستن گفت و گو و مذاکره با دیگران نیست.

کیهان فرهنگی‏ :جناب دکتر!شما چه پیوندهایی با ادبیات ایران دارید؟

اشاره کردید که بر ادبیات ایران تا اندازه‏ای اشراف دارید از همین رو دوست می‏داریم در این موضوع کمی‏ بیشتر صحبت کنید.

عرسان:علاقه و آگاهی به ادبیات ایران با دوبار دیدار من از کشور ایران آغاز شد.با خواندن برخی از نوشته‏ها و مجلات و روزنامه‏های ایران،و از خلال‏ دیدارهایم با روشنفکران و دانشگاهیان ایران مانند دکتر آذرشب و دکتر بجنوردی،توجهات اولیهء من به‏ این مقوله جلب شد.بیشتر آنچه می‏خواندم دارای‏ جهتگیریهای فکری،سیاسی و عقیدتی بود و این‏ همان چیزی است که من خود را با آن در خطی واحد و یگانه می‏یابم.اما قبلا نمونه‏هایی از اشعار،داستانها، نمایشنامه‏ها و قصه‏ها را دیده بودم.هنوز نمی‏توانم نظر مشخصی دربارهء انواع ادبی پس از انقلاب اسلامی ایران‏ بدهم و از دسته‏بندیهای آن نام ببرم.

در مطالعاتم در این زمینه وقفه‏هایی وجود داشته‏ است و افزون بر آن در زمینه ترجمه نیز ضعفها و کاستیهایی وجود دارد.اما در عرصهء فکری و سیاسی‏ می‏توانم بگویم که همهء آنچه را که امام خمینی-رحمه‏ الله علیه-نوشته‏اند و آنچه را که پیشتر توسط متفکران‏ دیگر نوشته شده است و یا از طریق سیاستمداران ارائه‏ شده،مطالعه کرده‏ام.بر اساس این خوانده‏ها می‏توانم‏ بگویم که ایران در مسیر بیداری و گزینش اصول‏ اساسی بر پایهء ایمان و جهاد و در آروزی یک جهان‏ اسلامی متکامل قرار گرفته است که بار دیگر عظمت‏ تاریخی اسلام را باز گردانده و حضور آن را در جهان و در برابر ایدئولوژیهای مختلف اعلام می‏کند.دوست دارم‏ فرصت بیشتری برای آگاهی یافتن به ادبیات ایران پیدا کنم؛چه از طریق ترجمه‏ها و-یا در صورت امکان- فراگیری این زبان و مطالعهء مستقیم آن آثار.پیش از این‏ اشعار حافظ،سعدی،رومی و فرید الدین عطار را خوانده بودم.به نظر می‏رسد در دورانی که استعمار بر دولتهای اسلامی حاکم بود،حاکمان،جوی به وجود آورده بودند تا از ارتباط و پیوند فعال میان دولتهای‏ اسلامی مانع شوند و اکنون امیدوارم امکانات ارتباطی‏ بیشتر فراهم شود.با وجود تلاشهای فراوانی که در این‏ زمینه از سوی برادران ایرانی ما انجام می‏شود و نیز کوشش کسانی که اقدام به ترجمه آثار می‏کنند،هنوز تا اشراف بر این عرصه‏های گسترده فاصله داریم.با این‏ حال مهم آن است که کار را شروع کرده‏ایم.

کیهان فرهنگی‏ :اتحادیه نویسندگان‏ عرب در سوریه می‏تواند با برگزاری‏ کنفرانسها و گردهماییهای بزرگداشت‏ برخی از شاعران و نویسندگان ایرانی که‏ در آثارشان وجود برخی مشترکات‏ نمایان است در گشایش چنین بابی‏ اقدام کند.به نظر می‏رسد چنین اقدامی‏ می‏تواند تبادلهای مثبتی میان ادبیات‏ عرب و ادبیات ایران به وجود آورد.

عرسان:اکنون بر اساس قرار داد همکاری فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،ما را با نویسندگان‏ ایرانی مرتبط می‏کند و ما برای اولین بار به عنوان‏ اتحادیه نویسندگان در نمایشگاه بین المللی ایران در سال گذشته شرکت کردیم.نویسندگانی از طرف ما به‏ تهران عزیمت کردند و در آنجا با برخی از نویسندگان‏ ایرانی دیدارهایی انجام دادند که بسیار مؤثر بود.

امیدواریم با ورد هیأتی ایرانی اقدام به بررسی امکانات‏ برقراری چنین فعالیتهایی کنیم تا سرانجام تبادلی دو سویه در این زمینه شکل گیرد.معتقدم چنین‏ برنامه‏هایی نقطه‏ای مناسب برای آغاز کار است و من‏ حقیقتا احساس خوشبختی می‏کنم.طی این زمان‏ کوتاه برادرانمان در ایران اقدام به بزرگداشت شاعر الفراتی کرده‏اند و درست است که ما پیش از آن او را تکریم کرده بودیم،اما این فرهنگ اهمیت دارد و ما را به اقدامی متقابل و مشارکت در بزرگداشت شعرای‏ بزرگ ایرانی مثل سعدی،حافظ،عطار،خیام و...یا هر نویسنده و شاعر ایرانی دیگر فرا می‏خواند.هر گونه که‏ به آثار ایرانیان نظر افکنیم درمی‏یابیم که در این آثار مفاهیم مشترک بسیاری وجود دارد.این گامها به‏ شناخت عمیقتر منجر می‏شود و غبار از چهرهء تاریخی‏ که باید حیات را به آن بازگرداند،می‏زداید.

کیهان فرهنگی‏ :آیا مقالاتی در زمینهء نثر و شعر فارسی و یا دربارهء ایران‏ نوشته‏اید؟

عرسان:زمانی که امام خمینی(ره)از پاریس به تهران‏ بازگشت یعنی در زمان پیروزی انقلاب اسلامی سه‏ مقاله در این باره نوشتم و به یاد دارم که دو مقاله از آنها به زبان آذری ترجمه شد.از این مقالات سیاسی چنین‏ برمی‏آمد که پیروزی مردم در ایران باید همچون الگویی‏ برای سایر کشورها باشد.پس از آن نیز در مناسبتهای‏ بسیاری دربارهء ایران مطلب نوشتم و در کنفرانسها و همایشهایی شرکت کردم.زمانی پیشتر،نوشتن کتابی‏ را در چارچوب سفرنامه آغاز کردم اما فرصت نشد که‏ ایران را بیشتر ببینم تا کتابم کامل شود.من فقط از تهران دیدار کردم و با توجه به اینکه دو کتاب دیگر در زمینهء سفرنامه(یکی دربارهء کرهء شمالی و جزایر ویتنام و کامبوج و دیگری دربارهء اتحاد شوروی پس از فروپاشی‏ و با توجه بیشتر بر منطقهء قفقاز)داشتم،این کار به‏ تأخیر افتاد.

افزون بر اینها نوشته‏هایی دارم که در آنها موضع‏ ایران و اوضاع سیاسی و به ویژه تهدیدهایی را که در نتیجهء محاصرهء اقتصادی با آن مواجه شد،همچنین‏ مواضع ایران را در دوران جنگ عراق با آن کشور،نقش‏ ایران را در بیداری اسلامی،و نیز امام خمینی(ره)و آن‏ بخش از دیدگاههای وی که به قدس و روز جهانی‏ قدس مربوط می‏شود،مورد بحث و بررسی قرار داده‏ام.

دربارهء موضعگیریهای دیگری هم مطلب نوشته‏ام مثل‏ قضیهء سلمان رشدی مرتد و به عبارت دیگر طرح این‏ موضوع که آزادی‏ای که برخی از آن دم می‏زنند آیا به‏ معنی برخورد با مردم و جریحه‏دار کردن احساسات‏ ملتها و اساعهء ادب به عقاید و ارزشهای آنهاست؟در حالی که مشخص است این فرد فقط به عنوان یک‏ مزدور اجیر شده تا به تصویری که مد نظر آنهاست‏ خدشه وارد کند.چه تصویر ایران باشد یا به طور کلی‏ تصویر اسلام.این فرد را نمی‏توان نویسنده‏ای خلاق‏ نامید.زیرا گفته‏های او در کتابش بر حقایق متکی‏ نیستند بلکه ناشی از نگاهی عجیب و غرض آلود به‏ شخصیتهای اسلامی است.معنای آزادی جریحه‏دار کردن احساسات و ارزشهای ملتها نیست.

کیهان فرهنگی‏ :برنامه‏های فرهنگی‏ شما در آینده چیست؟

عرسان:پس از نشر کتابی دربارهء روشنفکران غربی و دگرگونیهای آنها آمادهء چاپ کتاب دیگری دربارهء سازش شده‏ام،کتاب آینده دربارهء توافقنامه‏ها و دامنه و میزان همکاری در این زمینه است.برای چاپ یک‏ دیوان دیگر از شعرهایم دارم اقدام می‏کنم و همچنین‏ می‏خواهم نگارش داستانی را که مدتها قبل آغاز کرده‏ بودم کامل کنم و به پایان برسانم.

کیهان فرهنگی‏ :از اینکه به‏ پرسشهایمان پاسخ گفتید، سپاسگزاریم.